

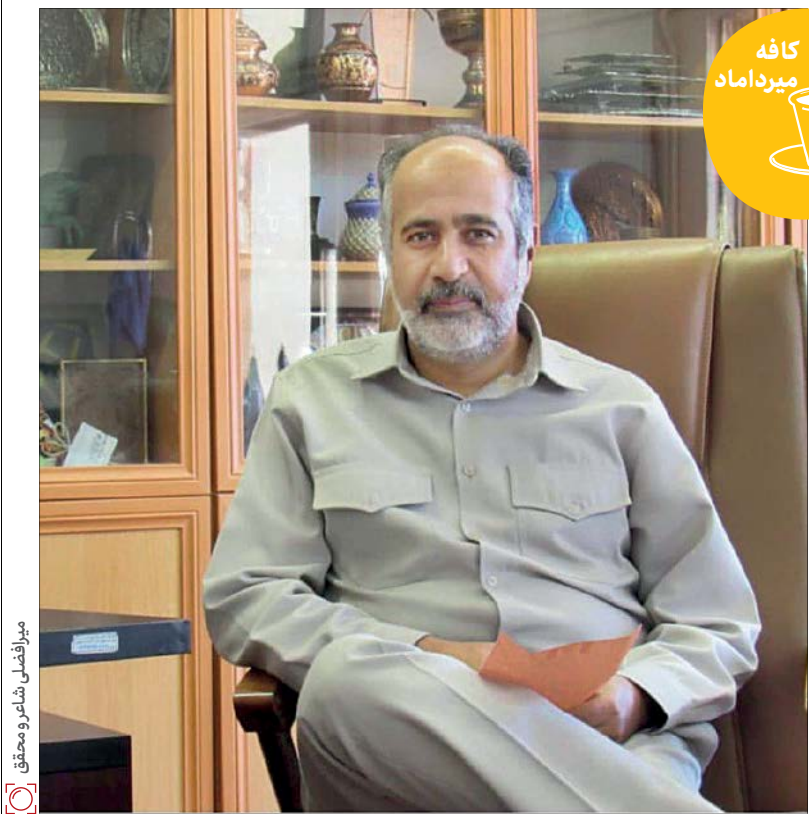
<p>■ روزنامه فرهنگی، اجتماعی صبح ایران ■ صاحب‌امتیاز: سازمان صداوسیماي جمهوری اسلامی ایران ■ مدیر مسؤؤل: مهدی عرفاتی</p>		<p><b>حدیث روز:</b> امام صادق(ع)، آنگاه که روزگار زمانه ستم باشد و مردمش اهل نیرنگ باشند، اعتماد به هر کسی در ماندگاری است.</p>	
<p><b>واحه:</b> جام می و خون دل هر یک به کسی دادند در دایره قسمت اوضاع چنین باشد</p>		<p><b>اوقات شرعی:</b> اذان ظهر: ۱۱/۵۸۰ اذان مغرب: ۱۷/۱۲ اذان صبح (فردا): ۵/۳۶ غروب آفتاب: ۱۶/۵۱ نیمه شب شرعی: ۲۳/۱۴ طلوع خورشید (فردا): ۷/۰۵</p>	
<p><b>وضعیت آب و هوای امروز</b></p>		<p>تهران ۷ / ۰ اهواز ۷ / ۲۰ ایلام ۲ / ۱۲ بوشهر ۱۴ / ۲۰ تبریز ۱- / ۴ رشت ۲ / ۱۱ سنندج ۳- / ۸ کرمان ۴- / ۱۱</p>	
<p><b>حکمت ۹۹:</b> ❗ قفیه کامل کسی است که مردم را از ارزش خدا مأیوس و از مهریانی او نومید نکند و از عذاب ناگهانی خدا بیم ندارد.</p>		<p><b>نهیج البلاغه</b></p>	

## مقطع حساس کتونی چوپان باکله همراهان چه کرد

❗ در روزگار ن قدیم پادشاهی دستور داد هرکس از مقابل در کاخ وی عبور می کند باید تعظیم کند و مراتب خاکساری خود را اظهار کند، وگرنه دستگیر شده و به

جرم بی احترامی به پادشاه به قتل می رسد. وی همچنین برای این که این قانون مورد اعتراض مدافعان حقوق بشر قرار نگیرد اعلام کرد دو خواسته شخص دستگیر شده پیش از مرگ برآورده می شود. روزی چوپانی که در پایتخت غریب بود و از قانون اطلاع نداشت بدون آن که تعظیم کند از مقابل در کاخ پادشاه عبور کرد و مأمران وی را دستگیر کردند و نزد پادشاه بردند که به همراه همراهان به تصمیم گیری های کلان مشغول بودند. چوپان پس از تفهیم اتهام گفت: من از قانون اطلاع نداشتم وگرنه خدا شاهد است هزاربار، بلکه بیشتر تعظیم می کردم. وزیر اعظم گفت: اکنون کار از کار گذشته است و برای آن که شان قوانین مصوب مخدوش نشود باید مجازات شوی.

وی افزود: خواسته های ت را بگو. چوپان گفت: خواسته نخستم این است که مبلغ ۲۰۰میلیارد تومان به خانواده من پرداخت شود. پادشاه گفت: انجام می شود. چوپان گفت: خواسته دوم این است که با قابلمه غذایم به کله همه حاضران در این جلسه یک دانه بگویم. وزیر اعظم که این خواسته را مغایر با روح خواسته ها تشخیص داده بود با پادشاه مشورت کرد اما در نهایت تصمیم گرفتند برای آن که شان قوانین مصوب مخدوش نشود، خواسته دوم چوپان نیز به اجرا دربیاید. چوپان گفت: ضربه ها را از وزیر اعظم شروع می کنم و با قابلمه غذای خود محکم به کله وزیر اعظم کوبید. وزیر اعظم از شدت درد فریادی کشید و روی زمین افتاد و سرتیم حفاظت برای وی آب قند آورد و سرتیم حراست کله وی را پانسمان کرد. وی سپس با کله پانسمان شده از جا برخاست و گفت: چه کسی دیده که این مرد تعظیم نکرده؟ هیچ کس چیزی نگفت. وی افزود: شاید کرده است و ما ندیده ایم. همه گفتند: حتما همین طور است. به این ترتیب به خاطر حفظ سلامتی قانونگذاران و شان قوانین، چوپان مورد تجدیدنظر قرار گرفت و همراه گوسفندان محل حادثه ا تارک کرد و پادشاه و همراهان نیز به ادامه تصمیم گیری های کلان پرداختند.❗



میرافضی شاعر و محقق

## عجز هولناک بشر

کرونا تجربه ای هولناک بود و هست. وقتی آمد دست و پایمان را گم کردیم چون نمی دانستیم باید با آن چگونه رفتار کنیم. هنوز هم نمی دانیم. خیلی هایمان دربرابرش احساس عجز کردیم چون بلد نبودیم چگونه باید در تنهایی و قتمان را پر کنیم. تنهایی دچار ملال مان می کند و از طرفی اضطراب مرگ، تشویشی می آورد که باعث ایجاد اندیشه های ترسناک می شود. به نظم کرونا تمرین خوبی بود که خیلی چیزها یاد بگیریم. این که تنهایی، ناگزیر اندوهی بزرگ به همراه دارد پس بهتر است تنهایی را تمرین کنیم تا در شرایطی که مجبوریم تنها باشیم بهتر بتوانیم با آن کنار بیاییم. به نظم در این شرایط بهترین پناهگاه هنر است و ادبیات. می توان اوقات تنهایی را با آن پر کرد. اما این را هم بگویم که کرونا شرایط اقتصادی را بدتر کرد. خیلی ها با مشکل معیشتی روبه رو شدند و آنقدر دچار اضطراب شدند که نمی توانند محدودیت ها را بپذیرند. این اضطراب ها را نباید ساده گرفت. به نظم بعد از کرونا دنیا با پدیده هایی روبه رو خواهد شد که الان حتی نمی توانیم تصورش را بکنیم. این همه فشار و استرس که به مردم وارد شد، به شکل های مختلف خود را نشان خواهد داد. این دوره که بیشتر شبیه کابوس است به پایان خواهد رسید و دنیای بعد از کابوس دنیای آسوده ای نخواهد بود. کسانی که فشارهای اقتصادی بزرگ را تحمل کرده و روان شان آسیب دید بعد از کرونا همان آدم هایی نخواهند بود که قبل کرونا بودند. آنهایی که تنهایی ها و استرس های روانی را تحمل کردند، سخت است به زندگی عادی برگردند. با همه اینها اما کرونا بشر را برای پاندمی ها و همه گیری های آینده آماده کرد. ما بلد نبودیم با آن چگونه مواجه شویم اما این تجربه بشر را آماده کرد. همان گفته قدیمی که می گوید: چیزی که مرا نکشد، قوی ترم می کند. کرونا بشر را قوی تر کرد با همه مشکلاتی که برایمان به وجود آورد. حالا حداقل یاد گرفتیم که چگونه با خودمان، با اطرافیان مان، با طبیعت و کلا با زمین و زمان مهربان تر باشیم.

انتخاب های خوبی داشته باشیم چون این لحظه که برود دیگر معلوم نیست لحظه دیگری باشد که ما بتوانیم انتخاب بهتری داشته باشیم یا نه؟ خیام فیلسوف و حکیمی بوده که آینه را مقابل روی ما قرار داده تا واقعیت را ببینیم با شفافیت کامل. یاد بگیریم که فرصتی برای افسوس خوردن نداریم پس بهتر است از همه لحظات زندگی به بهترین شکل ممکن استفاده کنیم.❗

## کافه میرداماد

گفت وگو با سید علی میرافضی؛ درباره روزگار کرونایی

# زندگی را به آینده موکول نکنیم

❗ چون عمر به سر رسد چه شیرین و چه تلخ / پیمانه چو پر شود چه بغداد و چه بلخ می نوش که بعد از من و تو، ماه بسی / از شلخ به غره آید از غره به سلخ از بهمن سال قبل که کرونا آمد تا همین امروز با آدم های مختلفی درباره این ویروس و تغییراتی که در زاویه نگاه آدم ها نسبت به زندگی ایجاد کرده و می کند هم صحبت شده ام اما تا به امروز یکی از بهترین گفت وگوهایم با آقای میرافضی است که شعرهایش - که شبیه هایکوهای ژاپنی است - را دوست دارم و مهم تر این که او خیام پژوهی است که این شاعر و حکیم را کاملاً می شناسد و آنقدر درباره تفکرات او تحقیق کرده و می داند هر بیت از رباعیاتش چه گنج بزرگ و غنیمتی است که به ما رسیده است. میرافضی بر این باور است که دوره هولناک کرونا بهترین دوره ای است که می توان خیام و تفکر او را - که تاکید زیادی بر زندگی در لحظه حال داشت - بهتر درک کرد. مدتی قبل آقای میرافضی پدرش را بر اثر کرونا از دست داد و خودش نیز دچار این بیماری شد که به سلامت از آن عبور کرد. در گفت وگویی که با این شاعر و محقق انجام دادم درباره تاثیر کرونا بر زندگی صحبت کردیم و تنهایی ناگزیری که این ویروس بر آدم های جهان تحمیل کرده است.

❗ **وقتی تنهایی هولناک می شود**
میرافضی می گوید: تا قبل از کرونا تنهایی را بر حضور در جمع ترجیح می دادم. کتابخانه نسبتاً خوبی دارم و زمانی که از سرکار به خانه می آمدم بیشتر وقتم را در این کتابخانه سپری می کردم. یک سال و نیم قبل بازنشسته شدم و پناه بردن به کتاب و خواندن آن بیشتر شد. کرونا که آمد چندان تغییری در سبک زندگی ام به وجود نیاورد، محدودیت ها و رفت و آمدها کنترل شده تر شد و من کلا سرگرم کتابی شدم که درباره رباعیات خیام می نوشتم که خوشبختانه کار به سرانجام رسید و مرادماه به دست ناشر سپرده شد. ماجرا از زمانی شکل دیگری به خود گرفت که پدرم به کرونا مبتلا شد و من به همراه او به بیمارستان رفتم. آنجا بود که دیگر قرنطینه و خودراقبتی ها از بین رفت و من در بیمارستان چیزهایی دیدم که تصور را نمی کردم. زندگی و دست و پنجه نرم کردن آدم ها با مرگ،

❗ **خیام پوچ گرائیست**
به میرافضی می گویم کرونا و شرایطی که به وجود آورد و این که زندگی در لحظه را بیاموزیم ثابت کرد که خیام پوچ گرا و فرقدار نیهیلیسم نبوده بلکه ماهیت

زندگی در دوره کرونا با همه سختی هایش دستاورد هایی هم دارد که مهم ترین آن قدرانی از لحظات زندگی است که به ما هدیه داده شده و ما بیشتر اوقات اصلاً متوجه نیستیم زندگی چه موهبت بزرگی است.

## تلنگر راه باز، جاده دراز!

❗ ۱۰ سال بعد از این که مهران توی فرودگاه شارل دوگل فرانسه گیر کرده بود، یک وکیل فرانسوی افتاد دنبال کارش و گفت می تواند برای او از دولت فرانسه به عنوان یک ایرانی، پناهندگی بگیرد. این طور می تواند بالاخره بعد از حدود ۱۰ سال از زندگی در این فرودگاه خلاص شود و برود توی شهر برای خودش خانه و زندگی دست و پا کند. اما مهران پایپاش را کرد توی یک کفش که او اصلاً ایرانی نیست و تابعیتش به عنوان یک انگلیسی باید به رسمیت شناخته شود!

ماجرا این بود که مهران کریمی ناصر از پدری ایرانی و مادری اسکاتلندی متولد شده بود و در سال های جوانی اش، طی سفری که به انگلیس داشت مدارک شناسایی اش را از دست داد و از فرودگاه شارل دوگل فرانسه سر درآورد و چون هیچ کدام از مدارکش را نداشت مجبور شد همان جا زندگی کند. از سال ۱۹۸۸ تا سال ۲۰۰۶ در فرودگاه زندگی کرد. در این میان بختش یار بود و تهیه کننده ای داستان زندگی او را خرید و به اسپیلبرگ داد تا فیلم «تریمپان» اش را بسازد. داستان زندگی اش را خرید ۲۵۰ هزار دلار!

با دلار حالا بخواهیم حساب کنیم، با یک حساب سرانگشتی می شود شش میلیارد ۵۰۰ میلیون تومان. نمی دانم به نزدیک به ۲۰ سال زندگی در فرودگاه می ارزد یا نه.

اینها را به شوخی به دوستی که می گفت چمدانت را ببند و حالا که دورکاری یک سر بیا پیش من، گفتم. دوستم در یکی از کشورهای حاشیه خلیج فارس زندگی می کند. مهران کریمی ناصر را مثال زدم و گفتم اگر کسی با حقوق و درآمد من بخواهد بیاید به دوستش در یک کشور همسایه سر بزند باید از سر بی پولی ۲۰ سال در فرودگاه مقصد بماند بلکه کسی پیدا شود زندگی اش را بخرد!

حالا که دولت عمان اعلام کرده از ایرانی ها برای ۱۰ روز اقامت توریستی ویزا نمی خواهد، بیشتر این قصه را می کوم. با ریال ۶۸ هزار تومانی عمان، اگر یک کارمند ایرانی بخواهد حقوق سه ماهش را جمع کند و برای تعطیلات به این کشور برود، می تواند یک بلیت هواپیما بخرد. برود مستط، یک تاکسی بگیرد از فرودگاه برود یک رستوران، ناهار بخورد و باز یک تاکسی بگیرد تا فرودگاه و برگردد خانه! همین قدر مختصر!❗

## رقابت پله و مارادونا

سرانجام دیشب رم شاهد معرفی بهترین های دنیا توسط فدراسیون بین المللی فوتبال بود. در این مراسم ادمون ارانتس دونا سیمونتو ملقب به پله به عنوان بهترین بازیکن فوتبال قرن شناخته شد. مارادونا رقیب سرسخت پله در نظرسنجی اینترنتی به این مقام دست یافت. همچنین از سوی فیفا زین الدین زیدان، ستاره تیم فوتبال یوونتوس و فرانسه در رقابتی سخت عنوان مرد سال فوتبال جهان را از رقبای خود ربود و توانست بالاتر از فیگو و ریوالدو به این جایزه دست پیدا کند. (صفحه یک)

## اهدای عضو شرعی است

بنیاد امور بیماری های خاص از عموم مردم خواست با اهدای عضو پس از مرگ در این حرکت انساندوستانه مشارکت کنند.

روابط عمومی این بنیاد اعلام کرد با توجه به اطلاعیه مورخ ۱۳۷۹/۹/۲۰ شورای نگهبان، پیوند اعضای بیماران فوت شده شرعی و قانونی است و هموطنان می توانند با دریافت و تکمیل فرم اهدای عضو پس از مرگ در این حرکت انساندوستانه شریک شوند. (صفحه ۱۳)

## پنت هاوس متری ۸۵۰ هزار تومان

بخشی از گزارش روزنامه جام جم ۲۰ سال قبل از خانه های مجلل تهران:
این یکی دیگر واقعا عجیب و غریب بود و با سؤالات بیشتر از نماینده آژانس دریافتم که منظور او از پنت هاوس؛ آپارتمانی است که بر فراز یک برج ساخته شده و استخر، باغچه و پاسیو دارد. املاکی می گوید: ملک مورد نظر در منطقه سفیرنشین واقع شده ۴۵۰ متری بنا میقد، ۵ اتاق خواب و یک سوئیت ۴۵ متری برای مستخدم، دایپتینگ روم (اتاق غذاخوری) به سبک فرانسوی و یک اتاق ۶۰ متری برای تلویزیون که با سیستم تصویری منحصر به فرد تجهیز شده است. مالک باید هر چه سریع تر به خارج کشور برود به همین دلیل ملک را با متری ۸۵۰ هزار تومان برایتان تماشش می کنیم. البته تا یادم نرفته این را هم بگویم که یک انباری ۴۸ متری و یک پارکینگ به عنوان کادو خدمت شما می دهیم. (صفحه ۷)



## سیمکارت ارزان شد

قیمت پایه هر دستگاه سیمکارت کارکرده تلفن همراه دیروز در بازار تهران با ۵۰ هزار ریال کاهش نسبت به روز پیش از آن هشت میلیون و ۵۰ هزار ریال به فروش رسید.

هر دستگاه سیمکارت صفر تلفن همراه با شماره معمولی دیروز در بازار تهران بدون تغییر نسبت به روز قبل از آن هشت میلیون و ۴۰۰ هزار ریال معامله شد. همچنین هر دستگاه سیمکارت صفر تلفن همراه با شماره ریز نیز حداقل هشت میلیون و ۸۰۰ هزار ریال و حداکثر ۱۶ میلیون ریال به فروش رسید که نسبت به روز قبل کاهش نداشت. (صفحه ۴)

## مرور عبور ناممکن ۳۰ سال قبل

## مجوز بانک خصوصی صادر شد

ضوابط تاسیس بانک غیردولتی از سوی شورای پول و اعتبار به تصویب نهایی رسید.
روابط عمومی بانک مرکزی با اعلام این خبر گفت: تاسیس بانک های غیردولتی به موجب قانون مصوب فروردین ۱۳۷۹ و ماده ۹۳ قانون سومین برنامه توسعه صورت می گیرد. براساس این ضوابط بانک غیردولتی با مالکیت و مدیریت بخش خصوصی و تعاونی تاسیس شده و می تواند تمام عملیات مجاز بانکی را انجام دهد. (صفحه ۴)

## سیمکارت ارزان شد

قیمت پایه هر دستگاه سیمکارت کارکرده تلفن همراه دیروز در بازار تهران با ۵۰ هزار ریال کاهش نسبت به روز پیش از آن هشت میلیون و ۵۰ هزار ریال به فروش رسید.

هر دستگاه سیمکارت صفر تلفن همراه با شماره معمولی دیروز در بازار تهران بدون تغییر نسبت به روز قبل از آن هشت میلیون و ۴۰۰ هزار ریال معامله شد. همچنین هر دستگاه سیمکارت صفر تلفن همراه با شماره ریز نیز حداقل هشت میلیون و ۸۰۰ هزار ریال و حداکثر ۱۶ میلیون ریال به فروش رسید که نسبت به روز قبل کاهش نداشت. (صفحه ۴)